ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ مدیرمسئول: علی عالی ■ تلفن: ۱۴-۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■ سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷-۸۸۵۰۱۳۰۰
۸۸۷۴۶۵۸۳- ■ انتشارات: ۵ و ۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰-۸۸۵۲۱۹۵۴ ■ نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸/ صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان

@iranvarzeshii

یکشنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۰- شماره ۶۸۵۶

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 3000 45 12 13

www.INN.ir

info@inn.ir

دیگر رسانه‌ها

چرا چلسی مدعی اول قهرمانی در لیگ برتر است

پول نه، استراتژی!

جاه‌طلبی‌های مرد آلمانی نیمکت چلسی درست بعد از شوت آخر مندی در فینال فصل قبل لیگ قهرمانان شروع شد؛ وقتی سوت پایان به صدا درآمد و چلسی برای دومین بار بر بام اروپا ایستاد.

برای توخل، شادی قهرمانی به حرکات خاصش در رختکن بعد از قهرمانی محدود شد و به قول خودش رفت تا برای آینده برنامه بریزد؛ برنامه‌ای که در باشگاهی با مکانیزم اصولی و تمول چلسی، معمولاً درست شروع می‌شود و عالی به پایان می‌رسد.

تابستانی متفاوت

پروژه فصل ۲۰۲۲-۲۰۲۱ برخلاف اکثر تابستان‌های دوران حکومت آبراموویچ از داخل مستطیل سبز شروع شد؛ از سوپر جام اروپا، از تحقیقات و آنالیز گسترده توخل که نتیجه گرفته بود کپا در صورت کشیده شدن بازی به ضربات پنالتی، بهترین انتخاب ممکن برای حضور در دروازه است. اینگونه سنگربان سابق بیلبائو با مهارت پنالتی آلبیول، تیمش را در سومین حضور در ضیافت پنالتی‌های سوپر جام به دومین قهرمانی در این جام رساند. خامه روی کیک این جشن بزرگ، ۹۷/۵ پوند هزینه روی دست باشگاه گذاشت. روملو لوکاکو بعد از ۷ سال به باشگاه برگشت تا خودش را ثابت کند. ترکیب با تجربه‌هایی مثل «بیگ روم» و جوان‌هایی مانند چالوبا، چشم‌انداز ترسناکی از چلسی فراروی رقبای لیگ برتری قرار داد و ۲ برد در ۲ هفته ابتدایی مقابل رقبای لندنی آن هم با گلزنی چالوبا و لوکاکو، نشان داد چراغ خیلی‌ها تیم کم نقص توخل را مدعی اول قهرمانی در فصل جاری لیگ برتر انگلیس می‌دانند. آنها در جهنم آنفیلد هم با گل هاورتز پیش افتادند اما اخراج جیمز و پنالتی صلاح، خطر اولین شکست فصل را در نیمه دوم آن بازی پیش چشم بازیکنان آبی‌پوش ترسیم کرد؛ با این حال برخلاف ۲ بازی قبلی به جای خط حمله و عناصر تهاجمی، مدافعان و دروازه‌بان جلسی امتحان خوبی پس دادند. در نهایت بازی تدافعی عمیق و کم نقص عناصر تدافعی میهمان و درخشش کم نظیر رودیگر باعث توقف لیورپول در آنفیلد پرتماشاگر شد. حضور قرضی سائول نیگس در آخرین روز نقل و انتقالات آن هم با گزینه خرید قطعی در پایان فصل، حسابی هواداران را خوشحال کرد؛ آنقدر که رفتن ژیرو به میلان، حضور آبراهام در رم و پیوستن زوما به وستهام و همچنین قرض دادن چند جوان آکادمی چندان به چشم نیامد.

عامل لوکاکو

لوکاکو برای نشان دادن قدرتش در تیمی که بیش از قبل هم ستاره‌دار شده، ۲ گل وارد دروازه آستون ویلا کرد و حالا با زدن ۳ گل در ۴ بازی، آقای گل چلسی در لیگ برتر است. مهاجم فصل قبل اینتر ستاره تیمش در جریان ششصدمین برد تاریخ جلسی در تاریخ لیگ برتر انگلیس بود. برای اینکه ادعای هواداران چلسی در مورد اینکه تیمشان «غرور لندن» است را باور کنید، کافی است بدانید همین حالا در تاریخ لیگ برتر فقط منچستر یونایتد بیش از قهرمان اروپا پیروز شده و شیرهای لندن با ۶۰۰ برد بیشتر از آرسنال با ۵۹۸، لیورپول با ۵۸۳ و تاتنهام با ۴۸۳ برد، طعم برتری در سطح اول فوتبال جزیره را چشیده‌اند. لندنی‌ها حالا در رده دوم لیگ در همه آیتم‌های جدول با لیورپول برابر هستند و پشت سر منچستریونایتد، صدرنشین هم‌امتیاز، طبق نظر اکثر کارشناسان به عنوان کم نقص‌ترین تیم حال حاضر لیگ برتر، مدعی اول قهرمانی در جزیره محسوب می‌شوند. یک تیم بی‌حاشیه و تعدادی از بازیکنان مطرح که کاملاً به توخل ایمان دارند، گروهی خطرناک را ساخته‌اند. تیم در دفاع عالی، در تعویض سریع منطقه بازی استاد و با اضافه شدن لوکاکو در خط حمله، توأمان قدرتی و سرعتی نشان می‌دهد. این ترکیب خوش‌فرم و متوازن، حاصل نظم مالی و مدیریت اصولی باشگاه است؛ باشگاهی که هزینه ۳ خرید عمده‌اش ۱۲۰ میلیون یورو شد؛ در حالی که درآمدش از فروش بازیکنان ۱۶۶ میلیون یورو بود. این یعنی خرج کمتر و سود بیشتر در مقایسه با منچستریونایتد، منچسترسیتی، لیورپول و آرسنال! هر چقدر راه در مرحله گروهی لیگ قهرمانان هموار به نظر می‌رسد، ۲ بازی آینده در لیگ برتر بسیار دشوار است؛ مقابل تاتنهام و منچسترسیتی. این ۲ بازی نشان می‌دهد دستپخت این فصل توخل تا چه اندازه خوشمزه خواهد بود.

(این مطلب پیش‌تر در سایت فوتبال ۳۶۰ منتشر شده)

عکس روز

رستگاری برنتفورد

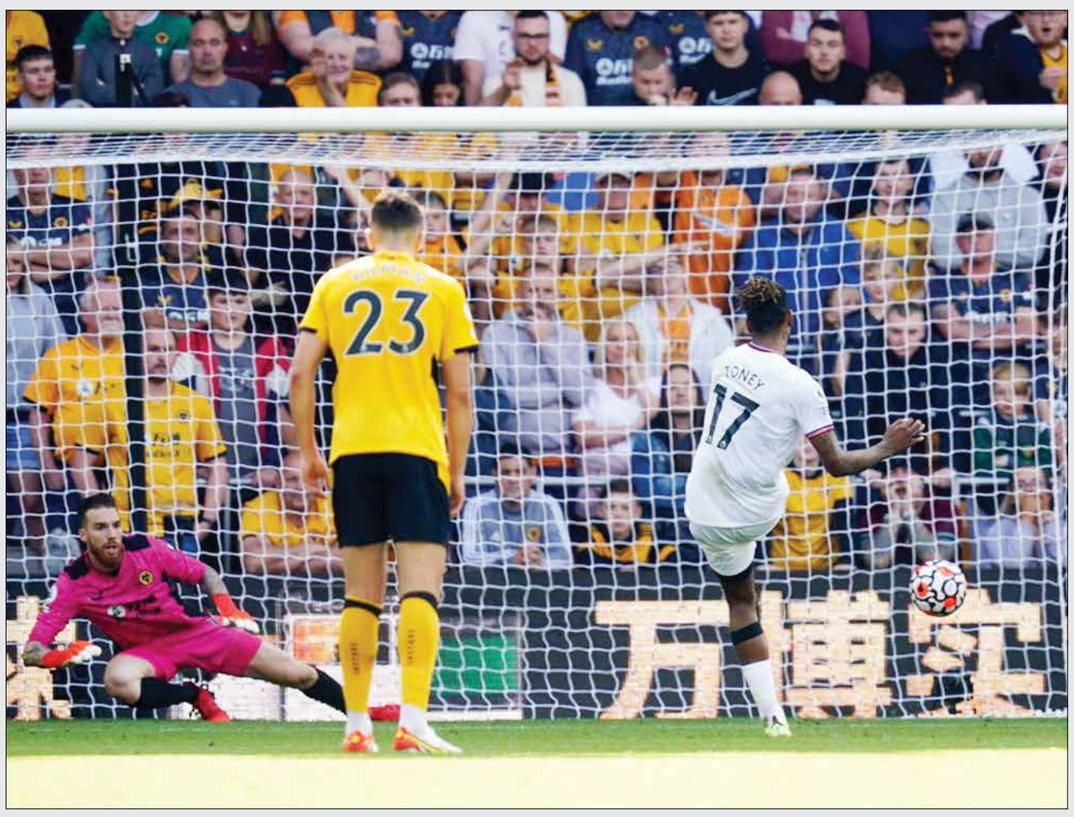

تیم برنتفورد موفق شد در اولین بازی هفته پنجم لیگ برتر به پیروزی ۲-صفر برسد. آن هم در خانه ولورهمپتون. زنبورها که به تازگی به لیگ برتر صعود کرده‌اند تا به حال فقط یک شکست داشته‌اند و فعلاً در نیم‌تای بالای جدول هستند.

طنزیم

هومن جعفری

اگر در ایران بود چه می‌شد؟

صد و پنجاهمین تجمع هواداران استقلال برگزار شد. بعد از پایان این تجمع، مسئولان تصمیم‌گیرنده خمیازه‌کشان به سیاست ناامید کردن هواداران این تیم ادامه دادند!

نتیجه اخلاقی: خسته نشدید؟ نمی‌خواهید دست از سر این تیم بردارید؟

***

همین جنگی که در استقلال می‌بینیم، در بارسا هم هست. مدیر و مربی با هم نمی‌سازند، اختلافشان هم رسانه‌ای شده. هر چه به هم می‌گویند هم سر از رسانه‌ها در می‌آورد. با این همه، حقوق بازیکنان پرداخت می‌شود، باشگاه تیم رسانه‌ای‌اش را برای تخریب کردن سرمربی فعال نمی‌کند، هواداران کومان در فضای مجازی به باشگاه حمله نمی‌کنند، پیشکسوتان بارسا برای گرفتن پست و مقام در باشگاه کومان را نمی‌زنند، کابینان‌های بارسا هم مخفیانه و زیرمیزی با طرفین دعوا جلسه حمایتی نمی‌گذارند! همه جای دنیا دعواها یک شکل است فقط شیوه برخورد با آنها فرق دارد!

***

«پس از تساوی منچستر و استوک در ژانویه ۲۰۱۷ مورینیو وارد اتاقم شد در حالی که مشغول عوض کردن کفش‌هایم بودم. ژوزه معتقد بود که باید یک پنالتی برای یونایتد می‌گرفتم. کفشم را به سمت او پرتاب کردم و ژوزه از حیرت میخکوب شده بود. به خانه رفتم و با بازبینی صحنه متوجه شدم که تصمیمم درست بود. به خودم گفتم نگذار چنین اتفاقات احمقانه‌ای آزارت دهند و به راحتی هم خوابیدم»

بعد از خواندن خاطره جالب مارک کلاتنبرگ داور مشهور انگلیسی، به این فکر می‌کنم که اگر داورها در ایران بخواهند همچین حرکتی را انجام دهند، چه بلایی سرشان می‌آید؟ کمی به این سؤال فکر کنید. می‌تواند طنز جالبی باشد!

کاریکاتور

بعضی‌ها اعتقاد دارند برای بردن توپ طلا باید به باشگاه‌های بزرگی مثل رئال مادرید و بارسلونا رفت اما تجربه ادن هازارد و آنتوان گریزمان کاملاً متفاوت است. آنها تا قبل از رفتن به دو غول اسپانیایی بیشتر به توپ طلا نزدیک بودند.

در چنین روزی

۲۸ شهریور ۱۳۸۶

هشدار پلاتینی درباره قدرت گرفتن ثروتمندان در اروپا

«میشل پلاتینی» ستاره سابق فوتبال جهان و کاپیتان و سرمربی اسبق تیم ملی فوتبال فرانسه با ارسال نامه هشدارآمیزی به «گوردون براون» و دیگر رهبران اروپایی از آنان خواست تا با کمک‌های خود مانع «پول محوری» در فوتبال جهان شوند.

پلاتینی در نامه خود به نخست وزیر انگلیس تأکید کرد که جهان اینک با خطر جدی مواجه است که ممکن است وارد مرحله‌ای شود که تنها پول و هزینه‌های مالی، تعیین‌کننده میزان موفقیت در ورزش فوتبال شود.

به نوشته رسانه‌های انگلیسی، نامه پلاتینی به براون در پی افزایش میزان مالکیت‌های خارجی در سهام باشگاه‌های لیگ برتر فوتبال انگلیس نوشته شده است.

اخیرا «علی شیرعثمان اف» میلیاردر ازبک تبار روس و «فرهاد مشیری» شریک ایرانی تبار وی در حال افزایش سهام خود در باشگاه آرسنال برای کنترل مدیریت این تیم هستند.

در حال حاضر، «رومان آبراموویچ» میلیاردر روس، مالک باشگاه چلسی است، خانواده آمریکایی «گلیزر» مالک باشگاه منچستریونایتد هستند و اکثر سهام باشگاه‌های لیورپول، استون ویلا، پورتسموث و منچسترسیتی نیز به سهامداران خارجی تعلق دارد.

پلاتینی که در ابتدای سال جاری میلادی به ریاست «یوفا» برگزیده شده، در نامه خود به رهبران اروپایی تأکید کرده که طی ۱۵۰ سال اخیر، پول نقش مهمی در گسترش ورزش داشته ولی نباید اجازه داد که همه مسائل ورزش در پول خلاصه شود.

تک به تک

میعاد نیک

روزهای سیاه تراکتور بی‌ثبات

تبریز در مه

شاید این امر برای غیرفوتبالی‌های تبریزی هم ثابت شده باشد که هوای فوتبال آذربایجان شرقی و قطب سرخ آن، هر آن ممکن است ابری با احتمال بارش‌های غیرمترقبه باشد.

پس از سقوط تلخ تیم ریشه‌دار ماشین‌سازی به لیگ دسته یک با ماجراهای عجیبی که این باشگاه در بحث مالکیت طی ۲ سال گذشته سپری کرد، همان جنس بی‌ثباتی و ناحرفه‌ای‌گری به تنها سنگر باقی مانده از فوتبال تبریز، یعنی باشگاه پرهوادار تراکتورسازی یافته تا شاید همان سرنوشت تلخ این بار به جای سبزپوشان، برای سرخ‌های تبریزی محتمل باشد.

سررشته تمام این فعل و انفعالات و نخ تسبیح چنین ناکامی‌های متوالی و ناخوشایندی را که بجوییم، به نام مالک باشگاه تراکتور می‌رسیم.

شخصی که مدعی است بیش از ۳۰۰ میلیارد تومان طی ۳ سال اخیر برای باشگاه تراکتور به راه‌های مختلف خرج کرده و مستندات دال بر بدهی حدود ۴۰۰ میلیارد تومانی باشگاه تحت تملک وی به اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی هستند، متهم ردیف اول نابودی این باشگاه بزرگ است.

وی که به شوق دیده شدن هر چه بیشتر برای کسب شهرت و البته انتفاع مالی و اقتصادی برای خود و هولدینگ‌های زیرمجموعه‌اش پا به باشگاه تراکتور گذاشت، بدترین نوع خصوصی‌سازی را به ارتش سرخ آذربایجان ایران تحمیل کرد تا کار به جایی برسد که روزهای مالکیت سپاه پاسداران استان بر باشگاه تراکتور، روزها خوش و خرم تبریز تلقی شود؛ حتی با وجود شائبه‌ها و مشکلات بسیار.

هر چه که بر آسمان سیاه و تیره تراکتور می‌گذرد، راه و رسم باشگاهداری نیست.

تغییر شبانه سرمربی و زلزله‌های یک ماهه در سکان هدایت تیم فوتبال تراکتور، حاکی از ناآرامی در سطوح بالای مدیریتی باشگاه است ولزوم تغییر مدیران و مالک را یادآوری می‌کند. شاید اگر مالکیت باشگاه تراکتور به همان روزهای پیش از متمولین بازگردد، هوای شهر تبریز باز هم دلگرم‌کننده جلوه کند.

گزارش یک پرونده

سام ستارزاده

تیم پیش باخته و خودباخته

قرمزهای خون به جگر شده

تراکتور چند روز پیش از بازی با فراز کمالوند خداحافظی کرد و دوباره با کریمی ادامه داد

تراکتور در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری نکرد، بلکه خلق بدهی کرد

نیازی به صبر کردن و تماشای بازی تراکتور و النصر نبود. همه چیز از قبل مشخص و بدیهی به نظر می‌رسید. یک تیم ورشکسته و پریشان که در بحرانی‌ترین شرایط دوران تاریخ خود به مصاف النصر رفت و البته مطابق انتظارات شکست خورد تا قصه پرغصه تبریزی‌ها با حذف از لیگ قهرمانان آسیا ادامه پیدا کند. قصه‌ای که برای توصیف تلخی آن واژه‌ها کم می‌آورند.

شکست برابر النصر و حذف از لیگ قهرمانان را باید یک پایان تلخ بر عصر حکومت محمدرضا زنوزی بر فوتبال تبریز بدانیم. دوران مالک پرحاشیه تراکتور با صعود گسترش فولاد نوپای سال ۱۳۹۲ به لیگ برتر آغاز شد و ای کاش با همان گسترش فولاد هم ادامه می‌یافت تا آبی و زردهای شمال شرق ایران یکی از آخرین روزنه‌های امید برای باشگاهداری خصوصی باشند؛ به جای اینکه بهانه‌ای باشند برای سراب فریبنده «تراکتورزنوزی» که سبز و قرمز را در زرد و آبی درآمیزد و سیاه مطلق را پدید آورد.

تراکتوری که زنوزی به پرشورهای تبریزی وعده داده بود؛ قرار بود با ورزشگاه اختصاصی منطبق بر استانداردهای جهانی و زمین‌های تمرین و سالن‌های ریکاوری و اسکان برای بازیکنان تجهیز شود و با فروشگاه‌های اختصاصی و ایده‌های درجه اول اقتصادی زنوزی به درآمدزایی پایدار برسد اما به جای سود مالی، این مدیرعامل و سرمربی بودند که در رگ‌های باشگاه جریان داشتند. تراکتور زنوزی ظرف مدت سه سال از یان توشاک سرمربی سابق رئال مادرید، محمد تقوی، ژرژ لیکنس و مصطفی دنیزلی، به ساکت الهامی رسید و در فصل گذشته با تحویل دادن نیمکت به علی‌رضا منصوریان، مسعود شجاعی که کاپیتان تیم بود، رسول خطیبی، فیروز کریمی و فراز کمالوند، در کیفیت سیر نزولی و در بی‌ثباتی، با حرکت شتاب‌آلودی سیر صعودی طی کرد.

تراکتور در شرایطی به مصاف النصر رفت که نشستن هواپیمای آنان در فرودگاه دوحه هم به قول آن جمله کلیشه‌ای چیزی از ارزش‌های آنان کم نمی‌کند. برای دانستن اینکه درخشش یا دست کم، آبروداری در لیگ قهرمانان آسیا ذره‌ای برای مالک و مدیران باشگاه اهمیت نداشت، نیازی نبود به لیست بازیکنان تیم که به سختی به ۱۶ نفر رسید، به پنجره بسته و خروج ۸ بازیکن تأثیرگذار از جمع تی‌تی‌ها، استعفای فراز کمالوند با صفر بازی و بازگشت غیرمنتظره فیروز کریمی به نیمکت تراکتور نگاه کنیم.

تکلیف این بازی از قبل مشخص شده بود؛ در همین بی‌ثباتی و بحرانی خودساخته‌ای که تراکتور را پنچر شده به مسلخ النصر فرستاد تا پیش از نواخته شدن سوت آغاز بازی، تکلیف این بازی مشخص شده باشد.

به همین اندازه آنهایی که باید برای سرافرازی قرمز خون به جگر شده دیار پرشورها میل داشته باشند میلی به موفقیت تراکتور ندارند، ما نیز به سربلندی تراکتور در این فصل امیدی نداریم، مگر اینکه عینک واقع‌بینی را از چشم‌مان درآوریم.

به همین اندازه، با کادر کنونی، سرنوشتی بی‌شباهت به ماشین‌سازی را نمی‌توانیم برای تراکتور لیگ بیست‌ویکم متصور باشیم.

نفر به نفر

سامان موحدی راد

بازگشت به نقطه صفر

بلبشوی تبریز

تراکتور در شرایطی عجیب به النصر رسید و در حالی که تصور می‌شد این تیم روز سختی در برابر حریف عربستانی داشته باشد اما سرانجام با یک شکست خفیف به کار خودش در لیگ قهرمانان پایان داد. بعد از شکست استقلال در برابر الهلال این دومین شکست ایرانی‌ها برابر عربستانی‌های در این دوره رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیاست.

تراکتور در شرایطی به امارات رفت که نشانی از تیم پرقدرت سال‌های قبل نداشت. تیمی که تا چند روز قبلش نمی‌دانست در این دوره از رقابت‌ها شرکت می‌کند یا نه. سرمربی‌اش استعفا داده و فیروز کریمی خیلی سریع به این تیم اضافه شد تا نهایتاً نمایشی آبرومند در آسیا داشته باشند. تیمی که دیگر در آن خبری از حضور سه کاپیتان تیم ملی نبود و بدون خرید آنچنانی به مصاف حریف عربستانی‌اش رفت.

تراکتور در این سال‌ها به خریدهای کهکشانی‌اش معروف بود اما حالا اثری از آن تیم در تبریز دیده نمی‌شود. مدیریت باشگاه در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و سرنوشت تیمی که دل میلیون‌ها طرفدار را در ایران برده، چندان مشخص نیست. احتمالاً این بازی و این شکست نقطه مهمی در تاریخ تراکتور باشد. چرا که این تیم با از دست دادن حمایت‌های مالی زنوزی حالا باید به سمت جوانگرایی برود. نگاهی به روزگار تراکتور نشان می‌دهد که شاید حرکت این تیم به سمت جوانگرایی چندان هم بد نباشد. آنها در این سال‌ها همیشه درگیر حواشی فراوان ناشی از همین زرق و برق‌ها و بریز و بپاش‌های مالی بودند. شاید اگر جریان تیم‌شان را به سمت جوانگرایی و استفاده از پتانسیل‌های بومی و محلی پیش ببرند، بتوانند روزهای بهتری را برای خودشان و هواداران‌شان رقم بزنند. به هر حال نباید فراموش کنیم که بزرگترین سرمایه باشگاه تراکتور هواداران پرشور این تیم است که به هیچ وجه دست از حمایت از تیم خود بر نمی‌دارند.

تراکتور با مجموعه‌ای از تصمیمات عجیب و غریب به مصاف النصر رفت اما حضور ناگهانی فیروز کریمی در این تیم موفقیت‌آمیز بود. تصمیمات تاکتیکی فیروز کریمی باعث شد تا تراکتور در مصاف با النصر بازی متعادل‌تری را از خود به نمایش بگذارد و آبرومندانه با جام خداحافظی کند. با این وجود این آبروداری، باز هم نمی‌توان به روزهای آتی پرشورها دل بست و آینده‌ای برای آنها متصور بود. در بلبشوی تبریز سخت بتوان به موفقیت امید داشت.

کرنر

مازیار گیلکان

مسیر پیشین برای تراکتور بی‌معناست

تراکتور به باشگاه آشفته‌ای تبدیل شده که حرف زدن درباره مسائل فنی بازی‌اش مقابل النصر در لیگ قهرمانان آسیا شاید بی‌معناست. تیمی که نصفه و نیمه به دیدار النصر رفت و تا چند روز قبل از بازی خبر انصرافش از لیگ قهرمانان شنیده می‌شد، بدیهی بود که نمی‌توانند امید چندانی به پیروزی داشته باشد.

تراکتور چند روز پیش از بازی با فراز کمالوند خداحافظی کرد و دوباره با فیروز کریمی ادامه داد. این تیم ثبات در تصمیماتش ندارد و هر دم می‌تواند تغییر کند و آشفته و آشفته‌تر شود.

نمی‌دانیم تراکتور در فصل آینده دیگر تیمی خواهد بود که بتواند حتی خود را در لیگ برتر حفظ کند یا نه اما می‌دانیم که این تراکتور دیگر مانند آن قدرت ده ۹۰ نیست و تا بخواهید به خودش زیان مالی و فنی رسانده است.

این ادعا که تراکتور به تیمی جوان تبدیل شده است، منطقی نیست.

جوانگرایی وقتی معنا دارد که هدف باشگاه باشد، نه اینکه یک باشگاه همه ستاره‌هایش بروند و چند صد میلیارد بدهکار باشد و به اجبار با بازیکنان جوانتر خود ادامه دهد و ما بگوییم با یک تیم جوان برای آینده تبریز مواجهیم.

تراکتور حتی اگر پنجره نقل و انتقالاتش باز شود، چگونه می‌تواند با بدهی بیش از ۳۰۰ میلیاردی کنار بیاید و بازیکن بخرد؟ تیمی که ۳۸۰ میلیارد تومان بدهکار است، آیا بازیکن خریدنش دیگر مفهومی جز ورشکستگی بیشتر خواهد داشت؟

تراکتور اول باید بداند چرا به مصیبت این بدهی‌های خانمانسوز دچار شده و بعد ببیند می‌خواهد با چه روش و چه اهدافی باشگاهداری را ادامه دهد. درباره تراکتور و آینده‌اش وقتی می‌توان بحث کرد که هدف و آینده روشن باشند و چرایی طی کردن مسیر نیز شفاف باشد.

امروز وقتی درباره تراکتور حرف می‌زنیم، می‌توانیم مسیری را مرور کنیم که با زنوزی طی شد و بدهی سنگینی را برای این باشگاه به جا گذاشت. این بدهی را کدام مالک دیگر می‌تواند تقبل کند؟

تراکتور در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری نکرد، بلکه خلق بدهی کرد و در این خلق کردن از هر کار دیگری پیشروتر بود.

با روش پیشین نه می‌شود ادامه داد و نه می‌توان ادامه داد اما اگر تراکتور به خود بیاید و مسیرش را اصلاح کند، شاید با تیم بهتری در آینده مواجه شویم که دیگر گران و گزاف نیست و رؤیا نمی‌بافد اما می‌تواند برای خود بازیکن و موفقیت و شخصیت تازه را بسازد.

حضور ناگهانی فیروز کریمی در تراکتور موفقیت‌آمیز بود. تصمیمات تاکتیکی کریمی باعث شد تا تراکتور در مصاف با النصر بازی متعادل‌تری را از خود به نمایش بگذارد و آبرومندانه با جام خداحافظی کند